



ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان

ابوالفضل آراسته^۱

یاسر کهرازه^۲

زینب هاشمی‌باغی^۳

مهدی صلاح^۴

چکیده

مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان به یک الزام امنیتی، فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است. در این راستا این مطالعه با هدف ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در این استان صورت گرفت. مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی-توسعه‌ای و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. جامعه مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی شامل نخبگان مدیریت اتباع بیگانه در استان است که ۸ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جامعه آماری در بخش کمی نیز شامل کارشناسانی است که ۱۰۹ نفر با روش خوشه‌ای-تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق‌ساخته می‌باشد. براساس نتایج، اجرای کامل قانون ممنوعیت حضور اتباع بیگانه، تشابهات فرهنگی، مذهبی و سیاسی و استقرار مدیریت متمرکز عوامل زیربنایی موثر بر مدیریت اتباع افغانستانی هستند. این شیوه از مدیریت بر اصلاح راهبردی قوانین و قانون‌گذاری اثر می‌گذارد. البته باید در نظر داشت محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه در این رابطه نقش مداخله‌گر دارد و اجرای ممنوعیت مشروط در استان نیز بستر لازم را فراهم می‌آورد. از طریق اصلاح راهبردی قوانین می‌توان نتایج رفتاری مانند کاهش جرایم و توسعه امنیت پایدار استان، بهبود شرایط اقتصادی در استان و افزایش رضایت اقشار مردمی دست یافت.

کلمات کلیدی

استان سیستان و بلوچستان، اتباع افغانستانی، امنیت پایدار، ممنوعیت مشروط، مدیریت متمرکز

۱- گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. Arastehabolfazl@yahoo.com

۲- گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول) Yaser.kahrazeh@yahoo.com

۳- گروه جامعه‌شناسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. z_hashemibaghi@yahoo.com

۴- گروه تاریخ، واحد زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. Mehdisalah2011@yahoo.com

در چند دهه اخیر مهاجرت غیرقانونی در سطح بین‌الملل رشد بسیار زیادی داشته است. مهاجرت‌هایی که با زیرپا گذاشتن قوانین مرزی کشورها و عدم تمکین از شرایط ویزا صورت گرفته مسائل زیادی را به همراه آورده است. مهاجرت غیرقانونی بیشتر به دلایل اقتصادی و امنیتی صورت می‌گیرد و هدف ورود به بازار کار، اشتغال، درآمدزایی و برخورداری از امنیت صورت می‌گیرد. این در حالی است که برای کشور میزبان مسائل و مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کند (جامی^۱، ۲۰۲۳). پیامدهای حضور اتباع بیگانه در کشورها از جنبه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای کشور میزبان قابل بررسی است. فقدان مهارت، ناآشنایی با زبان، بیگانگی فرهنگی و مواردی از این دست، مسائل و مشکلات بسیاری را برای جوامع میزبان به همراه دارد (کالیستر^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از کشورهایی که شاهد حضور ناگهانی و بسیار زیاد اتباع بیگانه بوده، ایران است. ایران کشوری است که در آن جریان مهاجرات به سمت کشورهای دیگر بالا است و از سوی دیگر مهاجرت اتباع خارجی مانند اتباع افغانستانی و عراقی به این کشور بسیار زیاد است. این مساله موجب شده تا بحث مدیریت مهاجرت اتباع خارجی در ایران از اهمیت بسیاری برخوردار باشد (توسلی، ۱۴۰۰).

مهاجرت افغان‌ها به ایران سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و نخستین دوره این مهاجرت همزمان با شکوفایی اقتصادی ایران در دهه ۴۰ هجری می‌باشد. در سال‌های اخیر، مهاجران افغان چه به شیوه قانونی چه غیرقانونی عمدتاً از جنس کارگر روزمزدی هستند و انگیزه اکثریت آنها کسب اندوخته مالی در بازگشت به وطن بوده است. با طولانی شدن درگیری‌ها و بزرگتر شدن نسل دوم و سوم مهاجران افغان که بسیاری از آنها حتی کشور خود را ندیده‌اند، بسیاری از این مهاجرین تصمیم به ماندن گرفتند. این تصمیم‌گیری تبعات و پیامدهای بسیاری را به همراه دارد (پورعارفی و چلیپا، ۱۴۰۱). پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشور ایران یکی از شکل‌های مهاجرت بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر روند صعودی داشته است. کشور افغانستان سال‌ها عرص رقابت قدرت‌های گوناگون بوده و به دنبال دخالت‌های جهانی و تحت‌تاثیر اوضاع داخلی، شاهد مهاجرت گسترده مردم خود به خارج از کشور بوده است. اما وجود مرز مشترک طولانی و استراتکات مذهبی، فرهنگی و زبانی بسیاری از مردم این کشور با یاران، سبب ورود تعداد زیادی از مهاجران افغان به ایران شده است. به‌طوریکه ایران بعد از پاکستان به دومین کشور پذیرای مهاجران و پناهندگان افغانی است (غلامی و فلاحتی، ۱۳۹۸).

کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در زمستان سال ۱۴۰۰ تعداد مهاجران حاضر در ایران را ۴ میلیون نفر برآورد کرده است. کمیساریا در آن تاریخ ۸۰۰ هزار نفر را پناهنده، ۳۱۱ هزار نفر

ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در.../آراسته، کهرازه، هاشمی‌باغی و صلاح

را دارنده‌ی پاسپورت با ویزا، ۲۷۵ هزار نفر را دارنده‌ی گذرنامه خانوار و ۲٫۶ میلیون نفر را بدون مدرک برآورد کرده بود (سلیمی، ۱۴۰۱). این رقم بسیار نزدیک به رقمی بود که در تیر ماه سال ۱۴۰۱ وزیر کشور پس از اتمام طرح سرشماری اتباع خارجی اعلام کرد. در تیر ماه سال ۱۴۰۱ وزیر کشور تعداد مهاجران حاضر در ایران را ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر اعلام کرد (وزارت کشور، ۱۴۰۱). وجود مرز مشترک، اشتراکات زبانی، مذهبی و فرهنگی میان افغانستان و ایران شرایطی را فراهم کرده که حدود ۴۳٪ مهاجران افغانستان در کشور ایران سکونت گزینند. بنابر آمار سازمان ملل در سال ۲۰۲۰ حدود ۲۵۸ میلیون نفر کشور زادگاه خود را ترک کرده و در یک کشور دیگر زندگی می‌کنند. این آمار نشان دهنده آن است که از سال ۲۰۰۰ به بعد رقم مهاجرت ۴۹٪ افزایش یافته و کشورهای با درآمد بالا میزبانی ۶۴٪ مهاجران را به ۱۶۵ میلیون نفر در سطح جهان می‌رسد، برعهده دارند (عیسی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). در ایران مساله اصلی مهاجرت به مهاجرین سرزمین افغانستان گره خورده است چرا که بیش از ۸۰٪ اتباع خارجی ایران به مهاجرین افغانستانی اختصاص دارد. از منظر آماری تنها ۲/۳ درصد از این جمعیت پیش از انقلاب در ایران حضور داشتند و به‌طور عمده از فجر انقلاب به مدت یک دهه از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ این جمعیت به صورتی لجام گسیخته افزایش یافت (جانزاده، ۱۳۹۹).

استان سیستان و بلوچستان به دلیل نزدیکی به مرز افغانستان به عنوان مقصد مهاجرت، از جمله مناطقی است که در دهه‌های اخیر با هجوم و حضور حجم بسیاری از مهاجرین غیرمجاز افغان مواجه بوده است بطوریکه تقریباً یک دهم جمعیت شهر زابل را مهاجرین افغان تشکیل می‌دهند (شمشک و غریبی، ۱۴۰۰). حجم بالای ورود مهاجران، مشکلات بهداشتی، درمانی و اسکان را برای مسئولان این شهر به وجود آورده است. مهاجرت شهروندان افغانستان به علت نبود امنیت و مشکلات اقتصادی است، اما این پدیده مشکلات زیادی برای مردم استان سیستان و بلوچستان ایجاد کرده است. نظر به کثرت و فوریت مساله، باید سازوکار مناسبی در این زمینه اتخاذ شود (احمدزاده، ۱۴۰۰).

به‌طور کلی می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که مهاجرت از افغانستان به سرزمین نیمروز رشد بسیاری داشته است و این در حالی است که امکانات، زیرساخت‌ها و بسترهای لازم برای حضور این حجم وسیع از اتباع افغان در این استان فراهم نیست. با قدرت‌گیری دوباره طالبان و از سوی دیگر حجم بالای نسل‌های دوم و سوم افغان در سیستان و افراد دو تابعیتی ایرانی-افغانی به نظر می‌رسد گرایش این مهاجرین به ماندگاری بیش از پیش شده است. بنابراین مدیریت این اتباع بیگانه در استان مستلزم وجود مدلی فراگیر و مناسب است که به مدیران و متولیان این امر در تصمیم‌گیری راهبردی و کاربردی یاری نماید. از سوی دیگر مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه بیشتر از منظر آسیب‌شناسی بوده

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۲، بهار ۱۴۰۲

است و بر مشکلات و پیامدهای سوء حضور مهاجرین افغان تاکید شده است. این در حالی است که مسائل و مشکلات حضور این مهاجرین در استان تا حدود زیادی روشن است و بحث بیشتر در این زمینه تکرار مکررات است. خلاء پژوهشی در زمینه مدلی کاربردی برای مدیریت اتباع خارجی دلیل دیگری برای انجام این مطالعه است. در این راستا مطالعه حاضر با هدف ارائه و اعتبارسنجی مدل مناسب مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان صورت گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

کشور افغانستان سالیان متوالی، گرفتار انواع ناامنی‌ها و درگیری‌های قومی، گروهی، مذهبی و تجاوز بیگانگان قرار گرفته است. علاوه بر مشکلات سیاسی، مشکلات اقتصادی و فرهنگی نیز افغان‌ها را مجبور به مهاجرت به کشورهای دیگر بویژه ایران کرده است. کشور ایران به دلایل اقتصادی، مذهبی، سیاسی، زبان مشترک و ثبات همواره مقصدی برای مهاجرت این مردمان بوده است (عزیزی، ۱۳۹۷). در طول سال‌های گذشته، به دلیل وجود جنگ‌های داخلی و اوضاع نابسامان اقتصادی در افغانستان، مردم این کشور مجبور شده‌اند به کشورهای دیگر مهاجرت کنند. بیشتر افغان‌هایی که تحصیلات بالایی داشته و در گروه افراد ماهر به‌شمار می‌آیند، به کشورهای اروپایی مهاجرت کرده‌اند. آنهایی هم که از سطح تحصیلات و مهارت‌های بسیار پایینی برخوردار هستند، به سمت مرزهای ایران و پاکستان روی آورده‌اند (عیسی‌زاده و مهران فر، ۱۳۹۱). مطالعات میدانی نشان می‌دهد حضور اتباع افغانی می‌تواند پیامدهای منفی فراوانی بر امنیت کشور در ابعاد مختلفی بر جای گذارد که از مهم‌ترین تبعات آن می‌توان به اشغال فرصت‌های شغلی و افزایش نرخ بیکاری، افزایش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، ایجاد پدیده حاشیه نشینی و تغییر بافت جمعیتی شهر، استفاده از خدمات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، بارانه‌ای و تحمیل هزینه بر اقتصاد استان، ازدواج‌های غیرقانونی اتباع افغانی با اتباع ایرانی و تولد فرزندان بی‌هویت، انتقال بیماری‌های واگیردار و خطرناک و به خطر انداختن سلامت جامعه، اشاعه تفکرات خشونت طلبی مثل سلفیت جهادی و طالبانیسم، جعل مدارک شناسایی، جاسوسی و ... اشاره کرد (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

آمار مهاجرت از افغانستان به ایران همواره جزء موضوعات مورد مناقشه در کشور ما، به ویژه در یک سال اخیر بوده است. کشور افغانستان در چند دهه اخیر همواره جزء مهاجرفرست‌ترین کشورهای دنیا بوده است. بخش عمده‌ای از روندهای جابه‌جایی افغان‌ها به کشورهای همسایه من جمله ایران و پاکستان صورت می‌گیرد و از این رو مطالعه و بررسی آمار مهاجرت افغانستانی‌ها برای ایران نیز واجد اهمیت است. در واقع ایران در سال‌های متمادی شاهد ورود مهاجرانی از همسایگان شرقی و غربی خود بوده است.

ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستان در.../آراسته، کهرازه، هاشمی‌باغی و صلاح

شرایط سیاسی و اجتماعی حکومت‌های این کشورها سبب مهاجرت بسیاری از افراد و اتباع آنان به سایر کشورها از جمله ایران گردیده است (اعظم و مظفری، ۱۳۹۹). شیوه سیاست‌گذاری و مدیریت اتباع خارجی در ایران هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی شایسته توجه گسترده‌تری است. اصولی مانند مساوات، تابعیت مضاعف، تابعیت موثر و کرامت انسانی در این سیاست‌گذاری باید مورد توجه و عنایت مسئولیت قرار گیرند. آیا اتباع بیگانه در ایران باید تمامی امتیازات و حقوق مربوطه به یک ایرانی را داشته باشد یا خیر پرسشی کلیدی است که در این سیاست‌گذاری باید لحاظ شود (سلیمی، ۱۳۹۶).

نظریه‌های مهاجرت

«مهاجرت» به معنای عام کلمه عبارت است از ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر به‌طور موقت یا دائم. به دیگر سخن مهاجرت عبارت است از جابجایی مردم از مکانی به مکانی دیگر برای کار یا زندگی. براساس تعریف سازمان ملل، هرکسی که به‌طور دائم یا دست‌کم یک سال در کشوری دیگر، یا منطقه جغرافیایی دیگری در همان کشور سکنی گزینند، مهاجر تعریف می‌شود. بنابراین مهاجرت جابجایی هدفمند به‌صورت ارادی و غیرارادی جمعیت است از نقطه‌ای به نقطه دیگر با نیت عدم برگشت (مرادی، ۱۳۹۷).

ویلیام پترسون، مهاجرت را در ابتدا به دو دسته اساسی یعنی مهاجرت محافظه‌کارانه و مهاجرت نوآورانه تفکیک نموده است. براین اساس پترسون مهاجرت را به چهار نوع طبقه‌بندی می‌کند: مهاجرت ابتدایی، اجباری، اختیاری و تودای. در واقع مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی، انسان‌ها بین دو واحد جغرافیایی است و این جابجایی می‌تواند دائمی یا تقریباً دائمی باشد سابقه مهاجرت به تاریخ عمر بشر بر می‌گردد (افراخته، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر مهاجرت گونه‌ای از جابجایی جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد. این جابجایی به تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدأ یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی به مقصد یا محل اقامت جدید منجر می‌شود (براندین، ۲۰۲۲). برخی از جامعه‌شناسان اعتقاد دارند، مهاجرت نوعی انتخاب است که از طرف مهاجر انجام می‌گیرد. علل و انگیزه‌های این انتخاب هرچه باشد، نتیجه ملموس آن تغییر محل اقامت معمولی فرد از یک محدوده جغرافیایی به محدوده دیگر است. گرچه نمی‌توان مهاجرت را همواره اقدامی انتخابی تلقی کرد و این وضع درباره مهاجرت‌های اضطراری بر اثر عواملی رخ می‌دهد که خارج از خواست و اراده فرد بوده و بر وی تحمیل می‌شود. لذا، در اغلب موارد می‌توان مهاجرت را نوعی انتخاب از طرف مهاجر اصلی دانست (نوری و همکاران، ۱۴۰۰).

مهاجرت از موضوعاتی است که در مکاتب گوناگون از جنبه‌های متنوعی مورد بحث قرار گرفته و

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۲، بهار ۱۴۰۲

نظریه‌های زیادی در این زمینه مطرح شده است. نظریه شیکاگو یکی از نظریه‌های جامعه‌شناسانه با رویکرد فرهنگی در حوزه مهاجرت است. این نظریه ابتدای قرن بیستم به وسیله ویلیام تامس^۴ مطرح شد. براساس این نظریه رشد سرسام‌آور مهاجرت موجب ورود بی‌رویه مهاجرین در جامعه میزبان می‌گردد و تمام پیوندهای حیاتی خود را با چارچوب‌های اجتماعی و ملی از دست داده و دچار سردرگمی و ناامیدی می‌شوند، به سمت انحراف‌های اجتماعی حرکت کرده و به فقر و تنگدستی منتهی می‌شوند. افزون بر این ناچار به تحمل زبان، آداب و رسوم و الزامات یک فرهنگ جدید ملی نیز خواهند شد (خیری و رحیمی، ۱۳۹۸). از آنجایی که مهاجرین کشور افغانستان بیشتر یک شیوه زندگی روستایی و ابتدایی داشته وارد شهرهای گوناگون کشور شده‌اند بنابراین می‌تواند از منظر نظریه شیکاگو به این موضوع نگریست. یکی دیگر از نظریه‌های زیربنایی در حوزه مهاجرت توسط ایچنباوم^۵ به سال ۱۹۷۵ مطرح گردید. در این نظریه هرگونه جابجایی افراد در جوامع به عنوان مهاجرت شناخته نمی‌شود. در طول تاریخ براساس نقش جامعه و نقش جامعه چهار دسته جابجایی قابل شناسایی است. مهاجرت ناخواسته و اتفاقی افراد با تاثیر بر جامعه شامل پنهاندگی است و اگر به اجبار جوامع میزبان باشد در پدیده بردگی مطالعه می‌شود. پدیده جابجایی هدفمند افراد با استقبال از جامعه میزان در حوزه مشارکت قرار می‌گیرد. تنها نوع خاصی از جابجایی که به صورت هدفمند توسط افراد صورت گیرد و جامعه میزبان را تحت تاثیر خود قرار دهد به عنوان «مهاجرت» شناخته می‌شود (استیجستروم^۶، ۲۰۱۴).

مروری بر مطالعات پیشین

نظر به اهمیت موضوع، مطالعاتی نیز در زمینه مهاجرت اتباع افغانستان به ایران صورت گرفته است و بیشتر این مطالعات نیز با رویکردی آسیب‌شناسانه انجام شده‌اند. سلیمی (۱۴۰۱) مطالعه‌ای پیرامون آخرین آمار مهاجرت از افغانستان انجام داد. براساس این مطالعه بیش از چهار دهه از حضور میلیونی افغان‌ها در جامعه ایران می‌گذرد و تا به امروز ایران شاهد چندین موج مهاجرتی از افغانستان بوده است و در یک سال گذشته پس از روی کار آمدن طالبان موج مهاجرتی جدیدی از افغانستان به ایران شکل گرفت که این موج بر جامعه ما نیز تأثیر گذاشته است. پورعارفی و چلیپا (۱۴۰۱) تاثیر مهاجرت افغان‌ها در شهر جیرفت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این بررسی نشان داد که حضور مهاجرین افغانی پیامدهایی از قبیل تاثیر بر جمعیت، تاثیرات فرهنگی و اجتماعی، تاثیر بر امنیت سیاسی، اقتصاد، اشتغال، پیامدهای روانی و تربیتی، سلامتی و بهداشتی و تاثیر بر تقویت روابط ایران و افغانستان داشته است. شمشک و قریشی (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با عنوان مهاجرت اجباری بین‌المللی از منظر زنان افغانستانی مقیم ایران انجام داده‌اند. در پی تحلیل مصاحبه‌ها روشن شد زنان به اجبار تابع همسر، پدر یا سایر مردان

ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در.../آراسته، کهرازه، هاشمی‌باغی و صلاح

خانواده بوده اند؛ با وجود این مستقیم یا غیرمستقیم در فرایند مهاجرت نقش مؤثر داشته اند. نوری و همکاران (۱۴۰۰) به مقایسه پرداختند. نتایج نشان داد که متغیر تابعیت با کنترل سایر متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای بر سبک زندگی سلامت‌محور سالمندان تاثیر ندارد؛ اما متغیرهای سال‌های تحصیل، جنس و تعداد فرزندان سالمندان دارای اثر مثبت بر سبک زندگی سلامت‌محور هستند. طبق نتایج، سبک زندگی سلامت‌محور سالمندان، فارغ از تابعیت معطوف به همبسته‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. غلامی و فلاحتی (۱۳۹۸) به مدل‌سازی ساختاری تحرک اجتماعی بین نسلی مهاجرین افغانستانی پرداختند. پس از تحلیل جزئی‌تر شاخص‌های مذکور میزان اعتماد به خویشاوندان، میزان مطالعه کتاب، میزان آشنایی با زبان‌های خارجی، ورزش کردن، تلاش کردن هرکس برای رسیدن به آنچه می‌خواهد در تحرک بین نسلی مهاجرین افغانستانی در شهر کاشان تشخیص داده شد. خیری و رحیمی (۱۳۹۸) تفاوت هویتی نسل اول و دوم مهاجران افغانی به ایران را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها بیانگر آن است که فرهنگ قوم هزاره و شیعیان در بخش‌های مختلف هویت ملی، دینی-مذهبی، هنجاری - رفتاری در میان هر دو نسل دچار تغییر گردیده است.

جلال (۱۳۹۷) علل و پیامدهای مهاجرت افغان‌ها به زابل را شناسایی کرد. مهاجرین غیرمجاز ساکن در شهر زابل، مهم‌ترین علل ترک کشورشان را «فقر شدید مالی»، «تامیدی از زندگی آینده در افغانستان» و «وجود ظلم و تبعیض در افغانستان» و مهم‌ترین علل انتخاب شهر زابل برای زندگی را «اقامت اقوام و آشنایان در منطقه شهر زابل»، «امکان اشتغال خود و یا خانواده در شهر زابل»، «عدم برخورد ماموران دولتی (پلیس) با مهاجران غیر مجاز» بیان داشته اند. عزیزی (۱۳۹۷) تاثیرات حضور اتباع بیگانه افغانی در امنیت کشور را بررسی کرد. نتایج نشان داد حضور اتباع بیگانه دارای پیامدها و بازتاب‌های منفی از منظر طبیعی، زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی می‌باشد. علی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) به شناخت و تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه افغانی در استان یزد پرداختند. هدف از این پژوهش شناخت آثار و پیامدهای امنیتی حضور اتباع افغانی بر استان یزد و ارایه راهکارهای مناسب برای مقابله با این پدیده بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که حضور اتباع افغانی می‌تواند پیامدهای منفی فراوانی بر امنیت استان در ابعاد مختلفی بر جای گذارد. عیسی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) مطالعه‌ای با عنوان مهاجرت غیرقانونی و تبعات اقتصادی آن در کشورهای میزبان انجام دادند. این تحلیل‌ها کاملاً منطبق با شرایط اقتصاد ایران و مهاجران غیرقانونی حاضر در آن بوده و تصویر روشنی از اثرات اقتصادی مهاجران غیرقانونی افغانی در ایران را آشکار ساخت. بررسی سیاست‌های مختلف برخورد با مهاجران غیرقانونی و استفاده از تجارب کشورهای مختلف جهت

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۲، بهار ۱۴۰۲

اتخاذ سیاستی مناسب برای برخورد با مهاجران غیرقانونی کشور باید صورت گیرد.

با توجه به مرور مطالعات انجام شده و نظریه‌های موجود می‌توان بیش از پیش به اهمیت موضوع مهاجرت در جهان هزاره سوم پی برد و بنابراین از جمله مواردی است که باید از سوی مدیران دولتی، شهروندان و مهاجران مورد توجه قرار گیرد. فلذا پژوهشگر در صدد آن است که با انجام پژوهشی در این زمینه و ارائه راهکارها و پیشنهادهایی در این زمینه به مدیران و مسئولین در امر مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان یاری رساند. به‌طور مشخص تاکنون مطالعه مستقلی در زمینه مدیریت اتباع بیگانه در استان سیستان و بلوچستان کشور صورت نگرفته است. بنابراین به نظر می‌رسد که مدیریت اتباع بیگانه به طور عام و مدیریت اتباع افغان در استان سیستان و بلوچستان به طور خاص، هنوز آن طور که باید تبیین نشده است. لذا در این پژوهش با رویکردی نظریه‌پردازانه به موضوع مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان پرداخته خواهد شد. بنابراین اهمیت مدیریت اتباع افغان از یک سو و نقش محوری مدلی کاربردی در این زمینه، گرایش مدیران و مسئولین این حوزه به استفاده از این مدل افزایش داده است. آنچه‌نامه بیان شد مدیریت اتباع افغان در استان سیستان نیازمند رویکردی بومی و با عنایت به ظرفیت‌ها و مسائل و مشکلات این استان است. برای نیل به این شناخت باید ابعاد و ویژگی‌های مدیریت اتباع افغانستانی به خوبی شناسایی شود و روابط میان آنها تعیین شود. این امری است که در ادبیات پژوهشی مغفول مانده و نیازمند رویکردی اکتشافی است.

روش پژوهش

نوع پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف یک پژوهش کاربردی-توسعه‌ای است که در صدد ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان است. براساس شیوه گردآوری داده‌ها یک پژوهش غیرآزمایشی (توصیفی) است که با شیوه پیمایش مقطعی انجام می‌شود. از نظر شیوه تحلیل داده‌ها نیز یک پژوهش آمیخته (کیفی-کمی) است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی شامل خبرگان نظری (اساتید مدیریت دولتی) و تجربی (مدیران استان سیستان و بلوچستان) است. ملاک انتخاب مدیران، حداقل پانزده سال سابقه مدیریت است اتباع افغانستانی حداقل مدرک تحصیلات تکمیلی است. اعضای هیات علمی نیز شامل اساتید باسابقه دانشگاهی در حوزه مدیریت دولتی است. نمونه‌گیری با روش هدفمند انجام شد و با ۸ مصاحبه اشباع نظری حاصل گردید. جامعه آماری بخش کمی شامل مدیران، سرپرستان و کارشناسان استان سیستان و بلوچستان است. در این مطالعه از قاعده تحلیل توان^۷ کوهن (۱۹۹۲) و نرم‌افزار G*Power برای محاسبه حجم نمونه استفاده شد. با استفاده از قاعده تحلیل توان

ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در.../آراسته، کهرازه، هاشمی‌باغی و صلاح

در سطح اطمینان ۹۵٪ با اندازه اثر^۸ ۰/۱۵ و قدرت آماری ۸۰٪ حداقل حجم نمونه ۱۰۳ نفر برآورد گردید. برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای-تصادفی استفاده شد. برای اطمینان بیشتر ۱۲۰ پرسشنامه توزیع گردید و در نهایت ۱۰۹ پرسشنامه صحیح گردآوری شد.

ابزار گردآوری داده‌ها: ابزار اصلی گردآوری داده‌های پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق‌ساخته است. مصاحبه شامل ۶ پرسش اولیه بوده و به روش نیمه‌ساختاریافته انجام شد. پرسشنامه پژوهش شامل ۱۰ سازه اصلی و ۵۸ گویه با طیف لیکرت پنج درجه است.

برای بررسی اعتبار بخش کیفی از روش هولستی^۹ (درصد توافق مشاهده شده^{۱۰}) استفاده شده است. میزان توافق دوکدگذار در این روش ۰/۶۸۹ بدست آمده است که از ۰/۶ بیشتر است بنابراین تحلیل کیفی از اعتبار کافی برخوردار است. برای سنجش اعتبار پرسشنامه از روایی محتوا (نظرخواهی از نخبگان) استفاده شد و اعتبار آن تایید گردید. همچنین آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه در یک مطالعه مقدماتی ۰/۸۵۶ بدست آمد. پس از توزیع پرسشنامه در نمونه منتخب روایی پرسشنامه با سه روش روایی سازه (مدل بیرونی)، روایی همگرا (AVE) و روایی واگرا بررسی شد. مقدار AVE برای تمامی متغیرهای باید بزرگتر از ۰/۵ باشد. برای محاسبه پایایی نیز پایایی ترکیبی (CR) و ضریب آلفای کرونباخ هر یک از عوامل محاسبه شده است. میزان پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ تمامی ابعاد باید بزرگتر از ۰/۷ باشد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲؛ آذر و خسروانی، ۱۳۹۸). نتایج مربوط به هر یک از این شاخص‌ها در برازش بیرونی مدل ارائه شد.

روش تحلیل داده‌ها

برای شناسایی مقوله‌های مدیریت اتباع افغانستانی از تحلیل کیفی مضمون استفاده شد. برای اعتبارسنجی الگو از روش حداقل مربعات جزئی استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در فاز کیفی با نرم‌افزار Maxqda و در فاز کمی با نرم‌افزار Smart PLS انجام شد.

یافته‌های پژوهش

در بخش کیفی از دیدگاه ۸ نفر از نخبگان مدیریت اتباع افغانستانی و در بخش کمی نیز از دیدگاه ۱۰۹ نفر استفاده شد. نتایج مصاحبه‌ها با روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل مضمون مبتنی بر روش شش مرحله‌ای اترید-استرالیینگ^{۱۱} (۲۰۰۱) صورت گرفت. برای این منظور متن مصاحبه‌ها ضبط گردید، پس از اتمام مصاحبه، ترانویسی^{۱۲} داده‌ها همراه با جزییات توصیفی (از جمله نحوه ابراز احساسات مصاحبه شونده در مواجهه با پرسش‌ها، شرایط محیطی و...)، کار مطالعه چند باره

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۲، بهار ۱۴۰۲

آن‌ها و نوشتن ایده‌های اولیه توسط پژوهشگر آغاز گردید. این گام ستون فقرات گام‌های بعدی را شکل می‌دهد. در این گام است که ایده‌های خوبی درباره کدگذاری‌ها و الگوها شکل می‌گیرد. پس از این کار، پژوهشگر، آماده است فرایند کدگذاری را آغاز کند. کدگذاری در کل فرایند تحلیل صورت می‌گیرد و تعریف می‌شود. دوباره مصاحبه بعدی، کد گذاری و جریان تجزیه و تحلیل با اضافه شدن هر مصاحبه به همین ترتیب تکرار شد. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع داده ادامه یافت. ملاک دستیابی به اشباع داده رسیدن به تکرار در کدهای استخراجی بوده است.

در مرحله کدگذاری باز ۴۳۰ کد شناسایی گردید. در نهایت از طریق کدگذاری محوری به ۳ مضمون فراگیر، ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و ۵۸ مضمون پایه دست‌پیدا شد. خلاصه نتایج در جدول ۱ ارائه شده است.

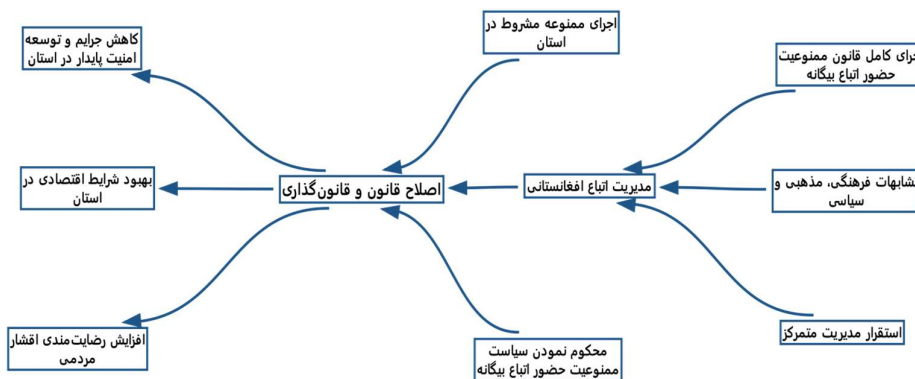
جدول ۱- شاخص‌های مدل مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان

مضامین پایه	سازمان‌دهنده	فراگیر
«هماهنگی میان معاونت‌های امنیتی- انتظامی و سیاسی استانداری»؛ «هماهنگی با اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی»؛ «هماهنگی میان اداره کار و نیروی انتظامی»؛ «هماهنگی میان اداره اطلاعات، سپاه، دادگستری و ...»؛ «ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی حضور چندین ساله اتباع افغانی در استان سیستان و بلوچستان»؛ «ایجاد قبح و عدم پذیرش حضور اتباع افغانی غیر مجاز در استان»	اجرای ممنوعه مشروط در استان	
«برطرف نشدن تضاد بین نگاه ایدئولوژیک و رأفت اسلامی با نگاه قانون مداری»؛ «تردد بدون مجوز و نظارت اتباع افغانی»؛ «بلاغ بخش نامه‌ها و قوانین احساسی، هیجانی و گاهاً متضاد»؛ «وجود خلأهای قانونی»؛ «عدم به‌روزرسانی قانون‌های مربوط به مهاجرین از سال ۱۳۱۰»	اجرای کامل قانون ممنوعیت حضور اتباع بیگانه	متغیرهای علی
«تاثیرگذاری نگاه‌های مذهبی در استان»؛ «استمرار وضعیت نامنی در افغانستان»؛ «تاثیرگذاری مسائل سیاسی بر روند مدیریت اتباع خارجی در استان»؛ «همجوار بودن و وجود فرهنگ‌های نزدیک به یکدیگر»؛ «فقر اقتصادی استان و ازدواج با اتباع افغانی غیرقانونی در قبال دریافت پول»	تشابهات فرهنگی، مذهبی و سیاسی	
«وجود تعارض در بین ارگان‌های امنیتی در برخورد با اتباع افغانی»؛ «عدم کارایی کارگروه ساماندهی اتباع خارجی در استان»؛ «توجیه نبودن مدیران تصمیم‌گیر حوزه ستادی و استانی»؛ «نبود جدیت و اهتمام در بین متولیان امر در استان برای برخورد با اتباع بیگانه غیرمجاز»؛ «جابجایی زود هنگام مدیران»؛ «تاثیرگذاری مسائل سیاسی بر روند مدیریت اتباع خارجی در استان»	استقرار مدیریت متمرکز	
«رشد اقتصادی افغانستان»؛ «توسعه روابط سیاسی افغانستان»؛ «برقراری امنیت در مرز کشور افغانستان با ایران»؛ «اصلاح جزئی قانون ممنوعیت حضور اتباع افغانستانی در استان»؛ «اجازه سکونت به نخبگان و دانشجویان افغانی در استان»؛ «پیگیری جدی قانون توسط متولیان امر در حوزه مدیریت اتباع خارجی در استان»	مدیریت اتباع افغانستانی	متغیرهای کانونی
«اصلاح قانون تابعیت و ازدواج اتباع بیگانه با دختران ایرانی»؛ «اعمال اصلاحیه مبنی بر مجاز بودن حضور نخبگان افغانستانی در استان»؛ «فراهم نمودن بسترهای اجتماعی و فرهنگی لازم در استان»؛ «برگزاری منظم جلسات ساماندهی اتباع در استانداری با محوریت اداره کل»؛ «جراپی نمودن قانون ممنوعیت حضور اتباع بیگانه در استان به صورت نوبه‌ای و	اصلاح قانون و قانون گذاری	

ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در.../آراسته، کهرازه، هاشمی‌باغی و صلاح

مرحله ای؛ «استعلام سوء پیشینه کیفری»؛ «تشکیل پایگاه عملیات روانی برای خنثی کردن هجمه‌ها در فضای مجازی»؛ «توجیه آحاد مردم در خصوص آثار و پیامدهای حضور اتباع افغانی در استان»		
«نشانه گرفتن عواطف شهروندان ایرانی»؛ «ملاحظات بازیگران و دست اندرکاران استانی در اجرایی نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه»؛ «نگاه و نوع نگرش تصمیم گیران ستاد (تهران)»؛ «استناد اتباع افغانستانی به قانون اخیر مجلس مبنی بر اعطای شناسنامه به فرزندان حاصل از ازدواج اتباع افغانستانی و زنان ایرانی»؛ «اشاره به سخنرانی رهبر انقلاب اسلامی در سال ۹۴ مبنی بر عدم بازماندن کودک افغانی مجاز یا غیرمجاز از تحصیل»؛ «ایدئولوژی رفت اسلامی»؛ «ارائه بازتاب‌هایی از طرف مولوی‌های اهل سنت»	محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه	
«کاهش حاشیه نشینی در استان»؛ «افزایش درخواست های ازدواج با هدف دریافت شناسنامه و اقامت در استان»؛ «جلوگیری از همبستگی اتباع افغانی با جریان‌های غیر همسو و مخالف نظام در سطح استان»؛ «کاهش افراد فاقد هویت»؛ «کاهش آدم ربایی و اخاذی از خانواده ها توسط افغانه»؛ «کاهش بزهکاری اجتماعی»	کاهش جرایم و توسعه امنیت پایدار در استان	
«کاهش نرخ بیکاری در استان و جایگزین شدن شهروندان در مشاغل در اختیار اتباع بیگانه»؛ «کاهش هزینه های استانی (کاهش هزینه های درمانی، اقامت و...)»؛ «افزایش تمایل به سرمایه گذاری در استان»؛ «کاهش قیمت منازل و اجاره بها برای اسکان شهروندان علی الخصوص جوانان»؛ «بهبود شرایط اقتصادی در استان بالاخص برای کارگران ایرانی»	بهبود شرایط اقتصادی در استان	متغیرهای پیامدی
«افزایش سطح فرهنگی در سبک زندگی مردم استان»؛ «افزایش خدمات کیفی و کمی آموزشی به دانش آموزان ایرانی»؛ «کاهش بار بهداشت و درمان و ارائه خدمات مطلوب درمانی به شهروندان ایرانی»؛ «کم شدن درگیری‌های محله‌ای در سطح استان و افزایش آرامش مردم»	افزایش رضایت‌مندی اقشار مردمی	

منبع: یافته‌های پژوهشگر



شکل ۱- مدل مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان

پس از ارائه مدل مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان، جهت اعتبارسنجی از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شد.

روابط بین سازه‌های اصلی با عنوان مدل درونی (بخش ساختاری) شناخته می‌شود. مدل بیرونی (اندازه‌گیری) براساس سه شاخص روایی همگرا، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۲، بهار ۱۴۰۲

گرفت. خلاصه نتایج ارزیابی برازش مدل اندازه‌گیری در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ارزیابی برازش بخش اندازه‌گیری مدل مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان

سازه‌های اصلی	AVE	پایایی ترکیبی (CR)	آلفای کرونباخ
اجرای ممنوعه مشروط در استان	۰/۵۶۶	۰/۸۸۶	۰/۸۴۶
اجرای کامل قانون ممنوعیت حضور اتباع بیگانه	۰/۵۸۱	۰/۸۷۴	۰/۸۲۱
استقرار مدیریت متمرکز	۰/۵۶۹	۰/۸۸۷	۰/۸۴۷
اصلاح قانون و قانون‌گذاری	۰/۵۷۷	۰/۸۱۸	۰/۷۴۱
افزایش رضایت‌مندی اقشار مردمی	۰/۶۰۲	۰/۸۵۸	۰/۷۸۱
بهبود شرایط اقتصادی در استان	۰/۵۴۵	۰/۸۵۶	۰/۷۸۹
تشابهات فرهنگی، مذهبی و سیاسی	۰/۵۹۸	۰/۸۸۰	۰/۸۲۸
محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه	۰/۵۲۳	۰/۸۰۱	۰/۷۰۴
مدیریت اتباع افغانستانی	۰/۵۸۰	۰/۸۳۸	۰/۷۶۲
کاهش جرایم و توسعه امنیت پایدار در استان	۰/۵۷۶	۰/۸۳۸	۰/۷۶۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول ۲، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بزرگتر از ۰/۵ است، بنابراین روایی همگرا تایید و به دلیل آنکه آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تمامی متغیرها بزرگتر از ۰/۷ می‌باشد، از نظر پایایی تمامی متغیرها مورد تایید هستند. روابط میان سازه‌های اصلی (بخش ساختاری) براساس ضریب مسیر و آماره تی مورد بررسی قرار گرفت. خلاصه نتایج آزمون روابط میان سازه‌های اصلی در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- خلاصه نتایج آزمون روابط میان سازه‌های اصلی

رابطه	ضریب تاثیر	آماره t	نتیجه
اجرای کامل قانون ممنوعیت حضور اتباع بیگانه ← مدیریت اتباع افغانستانی	۰/۳۵۰	۳/۳۷۴	تایید
تشابهات فرهنگی، مذهبی و سیاسی ← مدیریت اتباع افغانستانی	۰/۳۹۲	۲/۹۶۱	تایید
استقرار مدیریت متمرکز ← مدیریت اتباع افغانستانی	۰/۳۵۸	۳/۴۴۳	تایید
مدیریت اتباع افغانستانی ← اصلاح قانون و قانون‌گذاری	۰/۴۳۹	۷/۷۵۷	تایید
اجرای ممنوعه مشروط در استان ← اصلاح قانون و قانون‌گذاری	۰/۲۵۱	۲/۸۴۹	تایید
محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه ← اصلاح قانون و قانون‌گذاری	۰/۳۵۷	۳/۶۲۰	تایید
اصلاح قانون و قانون‌گذاری ← محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه	۰/۶۵۹	۱۰/۶۸۴	تایید
اصلاح قانون و قانون‌گذاری ← کاهش جرایم و توسعه امنیت پایدار در استان	۰/۶۹۹	۱۱/۳۷۸	تایید
اصلاح قانون و قانون‌گذاری ← بهبود شرایط اقتصادی در استان	۰/۶۴۴	۹/۱۰۵	تایید

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در.../آراسته، کهرازه، هاشمی‌باغی و صلاح

از شاخص ضریب تعیین^{۱۳} (R^2) و شاخص ارتباط پیش‌بین^{۱۴} (Q^2) برای سنجش قدرت پیش‌بینی مدل استفاده شد. این دو شاخص برای متغیرهای درونزا محاسبه می‌شوند. ضریب تعیین، بیانگر میزان تغییرات متغیرهای وابسته توسط متغیرهای مستقل است. هرچه مقدار ضریب تعیین سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای ضعیف، متوسط و قوی بودن برازش بخش ساختاری مدل به وسیله معیار ضریب تعیین است (چین^{۱۵}، ۱۹۹۸). شاخص ارتباط پیش‌بین توسط استون و گیزر^{۱۶} معرفی شد به همین خاطر گاهی با عنوان شاخص استون-گیزر نیز نامیده می‌شود. اگر مقدار (Q^2) مثبت باشد نشان می‌دهد که مدل از توان پیش‌بینی مناسبی برخوردار است (هیر^{۱۷} و همکاران، ۲۰۲۱). شاخص‌های قدرت پیش‌بینی مدل (Q^2) و (R^2) در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴- قدرت پیش‌بینی مدل

Q2	ضریب تعیین	سازه‌های اصلی
۰/۲۵۰	۰/۷۳۳	اصلاح قانون و قانون‌گذاری
۰/۲۱۵	۰/۴۱۴	افزایش رضایت‌مندی اقشار مردمی
۰/۲۱۷	۰/۴۸۹	بهبود شرایط اقتصادی در استان
۰/۳۳۱	۰/۷۷۶	مدیریت اتباع افغانستانی
۰/۱۷۹	۰/۴۳۵	کاهش جرایم و توسعه امنیت پایدار در استان

منبع: یافته‌های پژوهشگر

براساس نتایج جدول ۴ ضریب تعیین سازه‌های درون‌زای مدل پژوهش مطلوب می‌باشد. مقدار ضریب تعیین کاهش جرایم و توسعه امنیت پایدار در استان ۰/۴۳۵، افزایش رضایت‌مندی اقشار مردمی ۰/۴۱۴ و بهبود شرایط اقتصادی در استان ۰/۴۸۹ گزارش شده است که مقدار قابل قبولی است. شاخص (Q^2) نیز در تمامی موارد مثبت بدست آمده است بنابراین مدل از قابلیت پیش‌بینی مناسبی برخوردار است. اندازه اثر (F^2) میزان تغییراتی است که متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته می‌گذارند. در واقع این شاخص نشان می‌دهد اگر یک متغیر مستقل حذف شود چه میزان تغییراتی در متغیر وابسته ایجاد می‌شود. این شاخص توسط کوهن ارائه گردید. مقدار ۰/۰۲ (ضعیف)، ۰/۱۵ (متوسط) و ۰/۳۵ (بزرگ) در نظر گرفته می‌شود (کوهن، ۱۸، ۲۰۱۳). مقادیر اندازه اثر در جدول ۵ ارائه شده است.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۲، بهار ۱۴۰۲

جدول ۵- اندازه اثر سازه‌های پژوهش

اندازه اثر	رابطه
۰/۱۴۰	اجرای کامل قانون ممنوعیت حضور اتباع بیگانه ← مدیریت اتباع افغانستانی
۰/۱۸۲	تشابهات فرهنگی، مذهبی و سیاسی ← مدیریت اتباع افغانستانی
۰/۱۴۷	استقرار مدیریت متمرکز ← مدیریت اتباع افغانستانی
۰/۲۳۹	مدیریت اتباع افغانستانی ← اصلاح قانون و قانون گذاری
۰/۰۶۷	اجرای ممنوعه مشروط در استان ← اصلاح قانون و قانون گذاری
۰/۱۴۶	محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه ← اصلاح قانون و قانون گذاری
۰/۷۶۸	اصلاح قانون و قانون گذاری ← محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه
۰/۷۷۶	اصلاح قانون و قانون گذاری ← کاهش جرایم و توسعه امنیت پایدار در استان
۰/۷۰۹	اصلاح قانون و قانون گذاری ← بهبود شرایط اقتصادی در استان

منبع: یافته‌های پژوهشگر

اندازه اثر در هیچ یک از موارد کمتر از ۰/۰۲ بدست نیامده است و در بیشتر موارد نیز متوسط تا قوی برآورد شده است. شاخص GOF شاخصی است که برای بررسی برازش مدل کلی (بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری) توسط تننهاوس و همکاران^{۱۹} (۲۰۰۴) ابداع گردید. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای Gof معرفی شده است (وتزلس^{۲۰} و همکاران، ۲۰۰۹). البته استفاده از این شاخص در سال‌های اخیر با تردیدهایی همراه بوده است. شاخص GOF برابر ۰/۵۷ بدست آمده است بنابراین مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات کاربردی

پژوهش حاضر با هدف ارائه و اعتبارسنجی مدل مناسب مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان انجام شده است. روابط میان سازه‌های اصلی پژوهش در بخش ساختاری بررسی شده است. براساس ضریب مسیر مشاهده شده و مقدار آماره t (بوت‌استرپینگ) روابط متغیرها به صورت زیر قابل تفسیر است:

ضریب تاثیر اجرای کامل قانون ممنوعیت حضور اتباع بیگانه بر مدیریت اتباع افغانستانی مقدار ۰/۳۵۰ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۳/۳۷۴ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد: اجرای کامل قانون ممنوعیت حضور اتباع بیگانه بر مدیریت اتباع افغانستانی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در.../آراسته، کهرازه، هاشمی باغی و صلاح

در مطالعه شمشک و قریشی (۱۴۰۰) نیز به اجرایی نمودن قانون ممنوعیت حضور اتباع بیگانه اشاره شده و از این منظر با نتایج پژوهش حاضر هماهنگ است.

ضریب تاثیر تشابهات فرهنگی، مذهبی و سیاسی بر مدیریت اتباع افغانستانی مقدار ۰/۲۹۲ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۲/۹۶۱ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا کرد: تشابهات فرهنگی، مذهبی و سیاسی بر مدیریت اتباع افغانستانی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

در مطالعه پورعارفی و چلیپا (۱۴۰۱) نیز به تشابهات فرهنگی اشاره شده و از این منظر با نتایج پژوهش حاضر همراستاست.

ضریب تاثیر استقرار مدیریت متمرکز بر مدیریت اتباع افغانستانی مقدار ۰/۳۵۸ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۳/۴۴۳ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا کرد: استقرار مدیریت متمرکز بر مدیریت اتباع افغانستانی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

در مطالعه علی پور و همکاران (۱۳۹۶) نیز به مدیریت متمرکز اشاره شده و از این منظر با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد.

ضریب تاثیر مدیریت اتباع افغانستانی بر اصلاح قانون و قانون گذاری مقدار ۰/۴۳۹ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۷/۷۵۷ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا کرد: مدیریت اتباع افغانستانی بر اصلاح قانون و قانون گذاری تاثیر مثبت و معناداری دارد.

در مطالعه چامی (۲۰۲۳) نیز به اهمیت قانون اشاره شده و از این منظر با نتایج پژوهش حاضر همسو است.

ضریب تاثیر اجرای ممنوعه مشروط در استان بر اصلاح قانون و قانون گذاری مقدار ۰/۲۵۱ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۲/۸۴۹ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا کرد: اجرای ممنوعه مشروط در استان بر اصلاح قانون و قانون گذاری تاثیر مثبت و معناداری دارد.

در مطالعه توسلی (۱۴۰۰) نیز به اصلاح قانون اشاره شده و از این منظر با نتایج پژوهش حاضر هماهنگ است.

ضریب تاثیر محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه بر اصلاح قانون و قانون گذاری مقدار ۰/۳۵۷ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۳/۶۲۰ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا کرد: محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه بر اصلاح قانون و قانون گذاری تاثیر مثبت و معناداری دارد.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۲، بهار ۱۴۰۲

در مطالعه براندین (۲۰۲۲) نیز به سیاست‌گذاری صحیح اشاره شده و از این منظر با نتایج پژوهش حاضر همسو است.

ضریب تاثیر اصلاح قانون و قانون‌گذاری بر محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه مقدار ۰/۶۵۹ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۱۰/۶۸۴ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد: اصلاح قانون و قانون‌گذاری بر محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه تاثیر مثبت و معناداری دارد.

در مطالعه عیسی‌زاده و مهران فر (۱۳۹۱) نیز به محکوم نمودن حضور اتباع بیگانه اشاره شده و از این منظر با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد.

ضریب تاثیر اصلاح قانون و قانون‌گذاری بر کاهش جرایم و توسعه امنیت پایدار در استان مقدار ۰/۶۹۹ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۱۱/۳۷۸ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد: اصلاح قانون و قانون‌گذاری بر کاهش جرایم و توسعه امنیت پایدار در استان تاثیر مثبت و معناداری دارد.

در نتایج مطالعه نوری و همکاران (۱۴۰۰) نیز به کاهش جرایم اشاره شده و از این منظر با نتایج پژوهش حاضر هم‌راستاست.

ضریب تاثیر اصلاح قانون و قانون‌گذاری بر بهبود شرایط اقتصادی در استان مقدار ۰/۶۴۴ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۹/۱۰۵ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد: اصلاح قانون و قانون‌گذاری بر بهبود شرایط اقتصادی در استان تاثیر مثبت و معناداری دارد.

در مطالعه اعظم و مظفری (۱۳۹۹) نیز به بهبود شرایط اقتصادی-اجتماعی اشاره شده و از این منظر با نتایج پژوهش حاضر هماهنگ است.

براساس نتایج حاصله، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

در خصوص اجرای ممنوعه مشروط در استان پیشنهاد می‌گردد، با افزایش هماهنگی میان معاونت‌های امنیتی-انتظامی و سیاسی استانداری و همچنین، با اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی، اولین گام جهت مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان برداشته شود. جهت مدیریت صحیح، نیاز به هماهنگی میان اداره کار و نیروی انتظامی و میان اداره اطلاعات، سپاه، دادگستری و ... نیز وجود دارد. همچنین ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی حضور چندین ساله اتباع افغانی در استان سیستان و بلوچستان نیز بیان‌کننده تبعات مهاجرت آنها بوده و شفاف‌سازی آن برای مردم استان جهت افزایش همکاری آنها

ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در.../آراسته، کهرازه، هاشمی‌باغی و صلاح

با مراکز مذکور، حائز اهمیت است. علاوه بر موارد مذکور با ایجاد قبج و عدم پذیرش حضور اتباع افغانی غیر مجاز در استان نیز می‌توان تا حدودی از ورود آنها به کشور جلوگیری نمود.

در خصوص اجرای کامل قانون ممنوعیت حضور اتباع بیگانه پیشنهاد می‌گردد، با رفع تضاد بین نگاه ایدئولوژیک و رأفت اسلامی با نگاه قانون مداری و عدم تردد بدون مجوز و نظارت اتباع افغانی، به پیشگیری از ورود افراد غیرمجاز به کشور پرداخته شود. همچنین پرهیز مدیران ذی‌ربط از ابلاغ بخش نامه‌ها و قوانین احساسی، هیجانی و گاهاً متضاد و تلاش در جهت رفع وجود خلأهای قانونی می‌تواند در این زمینه کمک‌کننده باشد.

در خصوص مدیریت اتباع افغانستانی پیشنهاد می‌گردد، با رشد اقتصادی افغانستان و توسعه روابط سیاسی با آن کشور می‌توان به برقراری امنیت در مرز کشور افغانستان با ایران کمک نمود. همچنین اصلاح جزئی قانون ممنوعیت حضور اتباع افغانستانی در استان و اجازه سکونت به نخبگان و دانشجویان افغانی در استان نیز در مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان کمک‌کننده است. از طرفی با پیگیری جدی قانون توسط متولیان امر در حوزه مدیریت اتباع خارجی در استان دستیابی به هدف مدیریت اتباع افغانستانی دور از دسترس نخواهد بود.

در خصوص اصلاح قانون و قانون‌گذاری پیشنهاد می‌گردد، مدیران ذی‌ربط در ابتدا با اصلاح قانون تابعیت و ازدواج اتباع بیگانه با دختران ایرانی و اعمال اصلاحیه مبنی بر مجاز بودن حضور نخبگان افغانستانی در استان، اولین گام را در جهت مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان بردارند. همچنین فراهم نمودن بسترهای اجتماعی و فرهنگی لازم و برگزاری منظم جلسات ساماندهی اتباع در استانداری با محوریت اداره کل نیز در اجرایی نمودن قانون ممنوعیت حضور اتباع بیگانه در استان به صورت نوبه‌ای و مرحله‌ای اثرگذارند.

در خصوص محکوم نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه پیشنهاد می‌گردد، با آگاه‌سازی مردم کشور در خصوص نشانه گرفتن عواطف آنها و یا ملاحظات بازیگران و دست‌اندرکاران استانی در اجرایی نمودن سیاست ممنوعیت حضور اتباع بیگانه، از گمراهی آنها جلوگیری نموده و نگاه و نوع نگرش تصمیم‌گیران ستاد (تهران) را به سمت مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان تغییر دهند. با پیاده‌سازی استراتژی‌های مذکور، دستیابی به نتایجی نظیر کاهش جرایم و توسعه امنیت پایدار در استان، بهبود شرایط اقتصادی در استان و افزایش رضایت‌مندی اقشار مردمی امکان‌پذیر خواهد بود.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۲، بهار ۱۴۰۲

منابع

- (۱) احمدزاده، دادیار. (۱۴۰۰). ضرورت ساماندهی مهاجران افغانستانی در مرزهای سیستان و بلوچستان. خبرنگاری صدا و سیما.
- (۲) اعظم، منصوره؛ مظفری، خدیجه. (۱۳۹۹). تحلیل جامعه شناختی روایت زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع خارجی افغان و عراقی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۹ (۲)، ۴۷۵-۴۹۵.
- (۳) افراخته، حسن؛ منافی، رضا؛ ولائی، محمد. (۱۳۹۵). اثرات مکانی-فضایی مهاجرت بازگشتی در شهرستان میاندوآب. پژوهش و برنامه‌ریزی، ۵ (۱۳)، ۸۳-۹۸.
- (۴) آذر، عادل؛ غلامزاده، رسول. (۱۳۹۸). کمترین مربعات جزئی، سیستان و بلوچستان: انتشارات نگاه‌دانش.
- (۵) پورعارفی، نوح؛ چلیپا، رویا. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر مهاجرت افغان‌ها در شهر جیرفت، هفتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی.
- (۶) توسلی، منوچهر. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی تاثیر ازدواج با اتباع خارجی در کسب تابعیت در قوانین فرانسه، آلمان و ایران، حقوق تطبیقی، ۵ (۸)، ۶۷-۸۹.
- (۷) جانزاده، علیرضا. (۱۳۹۹). عوامل اثرگذار بر مهاجرت افغان‌ها به ایران. سیاست، ۵۰ (۴)، ۱۰۶۷-۱۰۹۲.
- (۸) جلال، ستاره. (۱۳۹۷). علل و پیامدهای مهاجرت افغان‌ها به ایران در شهر زابل. پژوهش نامه مطالعات مرزی، ۶ (۲۱)، ۷۹-۱۰۷.
- (۹) خیری، حسن؛ رحیمی، عیسی. (۱۳۹۸). تفاوت هویتی نسل اول و دوم مهاجران افغانی به ایران. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۶ (۲۲)، ۱۳۱-۱۵۱.
- (۱۰) داوری، علی؛ رضازاده، آرش. (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS، سیستان و بلوچستان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- (۱۱) سلیمی، رزگار. (۱۴۰۱). آخرین آمار مهاجرت از افغانستان. دیاران، ۱ (۱)، ۱-۱۷.
- (۱۲) سلیمی، فرزین. (۱۳۹۶). بایسته‌های سیاست‌گذاری و مدیریت جامع تابعیت و اقامت اتباع خارجی در ایران. حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی ۱۲ (۱)، ۲۵-۳۹.
- (۱۳) شمشک، آسیه؛ قریشی، فردین. (۱۴۰۰). مهاجرت اجباری بین‌المللی از منظر زنان افغانستانی مقیم ایران. سیاست، ۵۱ (۱)، ۲۰۹-۲۳۲.
- (۱۴) عزیزی، حسین. (۱۳۹۷). بررسی تاثیرات حضور اتباع بیگانه در امنیت کشور با تاکید بر اتباع افغانی. جغرافیا و روابط انسانی، ۱ (۳)، ۱۷۱-۱۹۰.
- (۱۵) علی پور، عباس؛ سعادت‌ی جعفرآبادی، حسن؛ دهقانی فیروزآبادی، جلیل. (۱۳۹۶). شناخت و

ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در.../آراسته، کهرازه، هاشمی باغی و صلاح

تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه افغانی در استان یزد. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی ۱۰۸-۷۹.

۱۶) علی پور، عباس؛ سعادت، حسین؛ دهقان، جلیل. (۱۳۹۶). شناخت و تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه افغانی در استان یزد. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۵ (۱۸)، ۷۹-۱۰۸.

۱۷) عیسی زاده، سعید؛ مهران فر، جهانبخش. (۱۳۹۱). مهاجرت غیرقانونی و تبعات اقتصادی آن در کشورهای میزبان (با تأکید بر مهاجران افغانی در ایران). راهبرد اجتماعی فرهنگی ۲، ۹۷.

۱۸) عیسی زاده، سعید، عباسیان، عزت الله، نوری، احمد ضیاء. (۱۳۹۹). تأثیر مهاجرت بر آموزش و مهارت‌های نیروی کار افغانستان: مطالعه موردی مهاجران بازگشته از ایران. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۵ (۸۵)، ۶۵-۹۰.

۱۹) غلامی، یونس؛ فلاحتی، فرشاد. (۱۳۹۸). مدل‌سازی ساختاری تحرک اجتماعی بین نسلی مهاجرین افغانستانی (مطالعه موردی: شهر کاشان). جغرافیای اجتماعی شهری، ۶ (۲)، ۱۸۷-۲۰۴.

۲۰) مرادی، عزیزمرد. (۱۳۹۷). ارزیابی و سنجش تأثیر ابعاد ژئوپلیتیک مهاجرت غیرقانونی بر نظم و امنیت در مناطق مرزی شرق کشور. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۶ (۲۴)، ۱-۳۶.

۲۱) نوری، بهناز؛ مطیع، نادر؛ معینی، رضا. (۱۴۰۰). مقایسه سبک زندگی سلامت‌محور دو گروه از سالمندان ایرانی و افغانستانی. مطالعات جمعیتی، ۷ (۱)، ۳۴۵-۳۷۳.

22) Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.

23) Brundin, A. (2022). Chinese government's position towards foreign immigration in 2003 compared to 2020: A News Frames method based study, 19(1), 30-39.

24) Callister, A. H., Galbraith, Q., & Carlile, A. (2022). Politics and Prejudice: Using the Term "Undocumented Immigrant" over "Illegal Immigrant". *Journal of International Migration and Integration*, 23(2), 753-773.

25) Chamie, J. (2023). What Should Be the Consequences for Illegal Immigration?. In *Population Levels, Trends, and Differentials: More Important Population Matters* (pp. 271-273). Cham: Springer Nature Switzerland.

26) Chin, W. W. (1998). The partial least squares approach to structural equation modeling. *Modern methods for business research*, 295(2), 295-33.

27) Cohen, J. E. (2013). *Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.

28) Eichenbaum, J. (1975). A matrix of human movement. *International Migration*, 13(1-2), 21-41.

- 29) Hair Jr, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2021). A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM). Sage publications.
- 30) Holsti, O. R. (1969). Content analysis for the social sciences and humanities, Reading, MA: Addison-Wesley.
- 31) Stjernstrom, O. (2014). Theory and migration. Towards a framework of migration and human actions. *Cybergeo: European Journal of Geography*, 43(1), 304-310.
- 32) Tenenhaus, M., Vinzi, V. E., Chatelin, Y.-M., & Lauro, C. (2005). PLS path modeling. *Computational statistics & data analysis*, 48(1), 159-205.
- 33) Wetzels, M., Odekerken-Schröder, G., & Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration. *MIS quarterly*, 177-195.

یادداشت‌ها :

- ۱ Chamie
۲ Callister
۳ Brundin
۴ William thomas
۵ Eichenbaum
۶ Stjernstrom
۷ Power Analysis
۸ Effect size
۹ Holsti
۱۰ Percentage of Agreement Observation
۱۱ Attride-Stirling
۱۲ Transcription
۱۳ Coefficient of determination
۱۴ Predictive relevance
۱۵ Chin
۱۶ Stone & Geisser
۱۷ Hair
۱۸ Cohen
۱۹ Tenenhouse

ارائه و اعتبارسنجی مدل مدیریت اتباع افغانستانی در... آراسته، کهرازه، هاشمی باغی و صلاح

۲۰ Wetzels